

# با نگرشی به آینده، گامهای سنجیده برداریم

## پیشگفتار:

شکست و ناکامی های سیاسی گذشته، موجب واپسگارانی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایران شده اند. علل این سقوط و ناهنجاری ها را باید بطور واقع گرایانه و علمی مورد ارزیابی قرار دهیم و سپس با طرح برنامه چشم انداز دراز مدت ، بطور آگاهانه و داوطلبانه، در راه اتحاد ، همسوئی و همبستگی سراسری ایرانیان ، گامهای سنجیده برداریم تا نه تنها مناسبات نامطلوب گذشته باز تولید نگرددند، بلکه ضروری است که با کوشش دستجمعی و بطور سازمان یافته، جامعه ای نوین و مناسبات ترقیخواهانه و برابری طلبانه ای پایه گذاری کنیم.

اما در این ویرانه، و مناسبات ناهنجاری که در داخل و خارج از کشور در میان ما ایرانیان حاکم است ، راهکار ما چیست و چگونه گام برداریم؟

## طرح پیشنهادی:

براین باورم که باید از صفر شروع کنیم. خود محور بینی ها و سیطره جوئی های فردی و گروهی را باید به دور ببریزیم. قبل از اینکه خطاهای دیگران را مورد نقد قرار دهیم، صادقانه کمبودها و اشتباهات گذشته خود را مورد ارزیابی قرار دهیم و کوشش کنیم ابتدا خودمان در مسیر تحول فکری- سیاسی گام برداریم.

همچنین ضروری است ما که ادعای انساندوستی و ایراندوستی میکنیم، به فرهنگ و سیاست "میراث خواری" اکتفا نکنیم، بلکه ضمن بزرگداشت خدمات بزرگان تاریخ ایران، با توجه شرایط کنونی ایران و جهان، و با درنظر گرفتن چشم انداز آینده، گامهای سنجیده تری برای آینده برداریم.

بررسی علمی تاریخ تحول سیاسی و اجتماعی جهان - حداقل در صد سال اخیر- بما می آموزد که نباید سیطره جوئی های مذاهب و ایدئولوژی ها را پذیرفت. مذاهب و ایدئولوژی ها، از "شورکاذب" نشاءت میگیرند.

پژوهش ها و تماس های شخصی نشان میدهد که هنوز انسانهای فرهیخته، انساندوست، ایراندوست، و مبارزی در داخل و خارج از کشور وجود دارند که حاضرند دور اندیشه و صادقانه در مسیر دمکراسی خواهی ، برابری طلبی و سازندگی در ایران گام بردارند، اما با خاطر ترویج سیاست بازیهای دغلکارانه و فرهنگ ریاکارانه در جامعه، در انزوا بسر میرند.

بنابراین، بسهم خود پیشنهاد میکنم که با توجه با ناکامی های گذشته، ابتدا مشخص کنیم که:

1- چه نمیخواهیم و چه نباید کرد ؟ 2- با توجه به چشم انداز آینده، چه میخواهیم و شیوه سازماندهی و برنامه عمل مبارزاتی و مناسبات نوین ما چیست .

الف- ما ساختار تشکیلاتی ، شیوه کار و مناسبات احزاب و گروههای سنتی را نمی پذیریم؛ ما هژمونی طلبی(سیطره جوئی) فردی ، گروهی، حزبی را نمی پذیریم ؛ ما در جدال ها ای تحریکرگرانه فردی و

گروهی شرکت نمیکنیم ، ما عوامل رخنه گر و دست نشاندگان رژیم و جناح بندهای درون رژیم ایران ، همچنین دست نشاندگان قدرتهای تجاوز گر خارجی را به درون تشکیلات خود راه نمیدهیم و با آنها همکاری نخواهیم کرد.

ب - کوشش های خود را ضمن تماس با افراد، گفتگو های حضوری، تشکیل سمینار های محلی و منطقه ای، بر مبنای چشم انداز و برنامه های تئوریک- سیاسی، تشکیلاتی ، و مبارزاتی مورد علاقه آغاز میکنیم. کوشش های اولیه ما جنبه شناخت متقابل، تبادل نظر، و زمینه سازی برای شکل گیری یک جبهه وسیع سراسری، بر اساس مبانی تئوریک- سیاسی، ساختار تشکیلاتی دموکراتیک با رهبری دستجمعی، و برنامه عمل مبارزاتی در داخل و خارج از ایران خواهد داشت؛ به باور ما، شرکت در چنین تشکیلات و برنامه عمل مبارزاتی باید آگاهانه و داوطلبانه و با اعتماد و احترام متقابل باشد؛ ما سیطره جوئی هیچ یک از مذاهب و ایدئولوژی ها را نمی پذیریم؛ ما خواستار دموکراسی، سکولاریسم، برابری طلبی و سازندگی همه جانبه در ایران هستیم، و سیطره جوئی هیچ فرد و گروهی را نیز نمی پذیریم.

ما استقلال تشکیلاتی و استقلال عمل سندیکاها و گروهها مدافعان حقوق بشر، انجمن کارشناسان ، و همه گروههای مدافع حقوق شهروندی را محترم می شماریم و بسهم خود به آنان یاری می رسانیم.

پیشنهاد میشود که عنوان:

پیش بسوی اتحاد

در راه دموکراسی سکولاریسم، برابری طلبی، سازندگی

در ایران

برای همکاری دستجمعی و اتحاد ، انتخاب کنیم.

حسن ماسالی- سپتامبر 2015

# آیا "ایوژیسیون گنوئی ایران" میتواند به نیروی نجات بخشی در جامعه تبدیل شود؟

## مقدمه

بخش بزرگی از مردم و نیروهای سیاسی ایران در داخل و خارج از کشور، با مناسبات واپسگرایانه و ضد دمکراتیکی که در جامعه ایران حاکم گردیده است مخالفند، و در صدد هستند که چنین مناسبات ناهنجاری را تغییر دهند. اما چرا توامندی خود را از دست داده ایم؟ در اینباره دیدگاههای مختلف وجود دارد و هر فرد و گروهی مدعی است که «نسخه درمان جامعه» را در دست دارد. اما چرا تاکنون که سی و اندی سال از استقرار رژیم جهالت- جنایت- فاشیستی -- اسلامی در ایران میگذرد، ما "هنوز اندر خم یک کوچه ایم"؟

## دیدگاه خودم:

عقیده دارم، مردم دردمند جامعه و بخش بزرگی از نیروهای مخالف رژیم که صادقانه عمل میکنند، با چندین مشکل رویرو هستند و قادر نشده اند این موانع را از سر راه خود بردارند و بر ناهنجاریها غلبه کنند. و این ناهنجاری‌ها عبارتنداز:

1- در جامعه ایران "احزاب مدن اجتماعی" که دارای چشم انداز، برنامه سیاسی واقع گرایانه، ساختار تشکیلاتی دمکراتیک، رهبری دستجمعی کارдан، و پایگاه اجتماعی مردمی باشد، نداریم و هر گروه چند نفره از طیف چپ تا محافظه کار، مدعی رهبری سیاسی است، و اغلب آنها نیز حاضر به گفتگو، همکاری و همسوئی در مبارزه اجتماعی برای نجات مردم و کشور نیستند. اما بسیاری از ما هنوز وقت و انرژی خود را صرف جدال با چنین محافظی میکنیم. در حالیکه باید این محافظ را بحال خود رها کنیم.

2- ما اکثر مدعیان مبارزه در راه سکولاریسم، دمکراسی خواهی، و برایبری طلبی (رفع تبعیض)، هنوز مزیندی شفاف و روشنی درباره یارگیری و متحدهن درازمدت (استراتژیک) خود نداریم. هنوز آگاهانه یا ناخود آگاه، میخواهیم از میان افراد و گروههایی که بطور آشکار و پنهان، خواستار همکاری با جناحهایی از رژیم حاکم هستند، یا طرفدار "باز سازی دیکتاتوری گذشته" میباشند، یا بطور فرصت طلبانه روابط سیاسی - تشکیلاتی خود را تغییر میدهند... یارگیری کنیم. باوجودی که بارها ضربات تخریبگرانه چنین عناصر و محافظی را تجربه کرده ایم، هنوز از تجارت گذشته درس نیاموخته ایم و میخواهیم این عوامل را در درون جنیش بپذیریم و "از طریق نصیحت و درس اخلاق"، عناصر تخریبگر را به راه درست هدایت کنیم.

3- ما ایرانیان در فرهنگ دیکتاتوری و دیکتاتور پروری رشد کرده ایم و بسیاری از ما، ادعای دمکراسی خواهی میکنیم، اما "خود محورین" هستیم و حاضر نیستیم فرهنگ گفتگو، رهبری دستجمعی و سازمان دهی و سازمان یافته‌گی دمکراتیک، تقسیم کار کارشناسانه، و هماهنگی و همسوئی مبارزاتی را بپذیریم.

4- آگاهانه و یا ناخود آگاه، بسیاری از وقت و انرژی خود را صرف مجادله بی ثمر با محافظ مختلف میکنیم و به "تمرکز کار" در امر سازماندهی و مبارزه اجتماعی، کمتر توجه میکنیم. در این ارتباط، تکنولوژی جدید (مثل اینترنت، ایمیل، تارنگار، فیس بوک، گوگل، یو تیوب،...) بجای اینکه

در خدمت پیشبرد مبارزه سیاسی- اجتماعی قرار بگیرند، تبدیل به "مشغولیات" روزمره و "هدر دادن وقت و انرژی" بسیاری از مبارزین شده اند.

5- بسیاری از ما، هنوز مبارزه اجتماعی و فنون سازماندهی را بدون توجه به شرایط حاکم در جامعه مطرح و دنبال میکنیم، در حالیکه مبارزه سیاسی و اجتماعی، فنون سازماندهی، و ارتباط با نیروهای اجتماعی، باید بطور علمی، با توجه به "فنون سازماندهی و مبارزه اجتماعی در شرایط ترور و اختناق" تعقیب شوند.

6- در کشورهایی که از نظر اقتصادی - اجتماعی- فرهنگی رشد نیافته اند و بطور اخص "فرهنگ اسلامی" حاکم هستند، "شهادت طلبی" ، "قهرمان پروری" ، همچنین "فرضت طلبی" جایگزین بیش و منش منطقی و علمی میگردند. لذا، تشکل های نوین و مترقی سیاسی نباید تسلیم چنین فرهنگ و مناسباتی گردند و یار گیری های سیاسی - تشکیلاتی ، با چشم انداز دراز مدت و علمی صورت بگیرند .

7- ما که ادعای دمکراسی خواهی و برابری طلبی میکنیم، نمیتوانیم درباره ستم های مضاعفی که به زنان و اقوام و ملیت ها اعمال میشوند بی تقاضت باشیم.

8- با درس آموزی از دست آوردها و ناکامی های گذشته، ضروریست که مبارزین با تجربه گذشته، با فروتنی و صادقانه، با اتنکا به اسناد و مدارک مستند تاریخی، و با برگزاری سمینارهای ویژه، تجارب خود را به نسل جوان انتقال دهند تا بطور دستجمعی بتوانیم در راه شکل گیری "قدرت جایگزین" ، پیش‌پیش چاره جوئی و زمینه سازی کنیم.

و ضمن احترام به استقلال عمل و حرمت کارشناسان، کوشش کنیم که با همکاری و همیاری آنان، طرح و برنامه های جامعی برای پاسداری از محیط زیست و نوسازی آینده ایران فراهم کنیم.

10- از سیاست صلح و دوستی در جهان ، و همبستگی بین المللی با مملو تحت ستم جهان ، پشتیبانی کنیم.

نتیجه گیری و جمع‌بندی:  
اپوزیسیون کنونی ایران در داخل و خارج از کشور ، با انواع ناهنجاری ها، تخریبگرانی ها، مواجه میباشند؛ لذا یار گیری های اولیه که "ستون فقرات" یک جنبش و یا یک جبهه ائتلافی از نیروی سکولار- دمکرات- برابری طلب را تشکیل میدهند، باید پراساس اهداف و برنامه های سیاسی مشترک و مصون از تمام عوامل منفی ذکر شده انجام پذیرند.

#### پیشنهادات :

ضروریست که چندین جلسه بحث و کفتگوهای هد فمند با برگزاری "پالتاک" یا سمینارهای حضوری، سازماندهی شوند و مسائل زیر مورد ارزیابی قرار بگیرند:

1- و اپسگرانی های تولیدی- اجتماعی- فرهنگی چه موافعی در راه شکل گیری احزاب مدرن اجتماعی ایجاد میکنند و شکوفا سازی مناسبات تولیدی- اجتماعی- فرهنگی چگونه فراهم میشوند؟

2- با تو جه به تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی ایران، (استقرار استبداد آسیائی، دیکتاتوری ها و سیطره جوئی های خارجی) موانعی که برای تشکیل " احزاب مدرن اجتماعی" وجود دارند چیست و راهکارهای مقابله با آنها کدامند؟

3- دیدگاه های ما درباره شیوه های ارتباط و همکاری بین مبارزین و کارشناسان داخل و خارج از کشور و زمینه سازی برای تشکیل " احزاب مدرن اجتماعی" ، (باتوجه به فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق)، بطور مشخص در شرایط کنونی ایران، چیست؟

4- با توجه به ناکامی ها و پراکندگی نیروهای سیاسی و اجتماعی ، و پیشنازان سکولاردمکرات - برابری طلب در ایران، سازماندهی و هماهنگ ساختن کوششها ی مربوط به شکل گیری احزاب مدرن اجتماعی، و ایجاد " جبهه سکولاردمکرات- برابری طلب" چگونه باید تدوین شوند تا از فردگرانی، فرقه گرائی ، و التقاطی اند یشیدن، جلوگیری شوند؟

5- راهکارها و تدابیری که " احزاب مدرن اجتماعی" اتخاذ میکنند تا دمکراسی و حقوق بشر در ایران " نهادینه" شوند، کدامند؟

بسیاری تشکیل احزاب مدرن اجتماعی

با درود - حسن ماسالی - هشتم مارس 2015

## ایجاد "گروه کار ویژه از زنان آزاد اندیش ایران" - راهکارهای نجات ایران-

اکنون جامعه ایران از نظر سیاست داخلی و مناسبات بین المللی با بحران سرنوشت سازی روپرتو شده است. رهبران و جناح های مختلف رئیم تاکنون نشان داده اند که "حفظ قدرت" برای آنها اهمیت حیاتی دارد، حتی اگر منجر به جنگ، ویرانی کشور و کشتار هزاران نفر شود.

گروهها و احزاب سنتی ایران نیز در این بیست و هفت سال نشان داده اند که از درایت و سازمان یافته‌گی کافی برای نجات کشور و مردم پرخوردار نیستند و حتی در این واپسین روزهای مچنان به تخریب همیگر مشغول هستند.

عقیده دارم اجازه نداریم نظاره گر بی کفایتی "سیاستمداران" عقب مانده کنونی ایران باشیم و قبل از اینکه فاجعه دیگری در جامعه ما روی دهد، ضروری است که راهکارهای نوینی برای گذار از بحران و نجات ایران جستجو کنیم.

بجای اینکه همیشه متولسل به ایزار کهنه و فرسوده سیاسی سنتی شویم، ضروریست که نهادهای اجتماعی نوینی شکل پیگیرند تا چهره های با استعداد چامعه با اعتماد به خویشتن، نهادهای نوین اجتماعی را بوجود آورند و نقش سازنده ای در شرایط کنونی و برای آینده ایفا کنند.

اکنون طرح های مختلفی برای تحولات سیاسی و اجتماعی مطرح شده اند اما " مجریان " با کفایت و با درایتی نداریم.

عقیده دارم که اگر دوراندیشانه و با تدارکات اولیه، گروه کار ویژه ای از زنان آزاداندیش و صاحبنظر ایران بطور هد فند شکل بگیرد، چنین گروهی قادر خواهد شد ابتکار عمل سیاسی و اجتماعی را از دست بی عملان و فرسودگان سیاسی خارج سازد و جنبش اجتماعی نوینی بر پا کند.

چنین گروه کار ویژه ای میتواند اینتا در خارج از کشور بوجود آید و سپس در داخل کشور ارتباط خود را نهادینه کند. این گروه کار میتواند جنبه " فمینیستی " نداشته باشد وینا به تشخیص خود و شناخت و اعتمادی که بدست می آورد از مردها نیز برای اجرای طرح های خود استفاده کند.

چرا ضروریست که " گروه کار ویژه ای از زنان " تشکیل شود؟

1- زنان بخاطر ستم و اجحافی که به آنان روا میشود، اگر مسئولیتی بدست بگیرند دقیق تر و با پشتکار بهتری به سرانجام میرسانند.

2- بسیاری از زنان ایران نشان داده اند که " مدیر " خوبی هستند و در " روابط عمومی " بهتر از مردهای ایرانی عمل میکنند و قادرند افراد و محاقن گسترشده ای را سازماندهی کرده و برای تحقق پیروز های خود جلب کنند.

3- اگر گروه کار ویژه ای از زنان وارد میدان عمل شود، بسیاری از محاقن مرد سالار ایرانی بعلت " شخصیت دوگانه ای " که دارند (منش مردسالارانه و در عین حال تواضع و احترام نسبت به زنان)، برای حفظ ظاهر هم که شده ، بجای تخریب ، آماده همکاری خواهند شد.

باين ترتیب یک گروه کار ویژه از زنان صاحبنظر و آزاد اندیش میتواند پس از ارزیابی همه جانبه طرح و برنامه و شیوه های سازماندهی، وارد عمل شود. در این شرایط که بسیاری از مردم و سوتیه دلان سیاسی از پراکنده‌گی و پلاتکلیفی رنج میبرند، شکل گیری یک گروه کار از زنان با شخصیت ایران میتواند راهگشای مشکلات باشد. درباره شیوه شکل گیری چنین گروه کار و همچنین درباره طرح های مهم سیاسی و اجتماعی که میتوانند در دستور کار قرار بگیرند، نظر مشورتی خودم را حضوراً تشریح خواهم کرد و کتاباً ارائه خواهم داد.

بادرود و احترام- حسن ماسالی

24 آوریل 2006

# تدابیر مبارزه اجتماعی

و

## فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق

حسن ماسالی

HMassali@aol.com

ششم مرداد ۱۳۸۳ یک‌پاره با ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۴

## مقدمه

وقتی میگوئیم داریم مبارزه میکنیم و یا قلان سازمان دارد مبارزه میکند بلافاصله در ذهن شنووندہ این سوال مطرح میشود که برای چه؟ بنابراین «مبرازه» بدون هدف و برنامه مفهومی ندارد. مبارزه عبارتست از اعمال و تدابیری که منجر به تحقق اهداف و برنامه های مورد نظرشود. اما ضروریست توجه داشته باشیم که تدابیر مبارزاتی نیز متنوع هستند و در ارتباط با خصلت اهداف و برنامه و همچنین بر اساس شرایط حاکم در سطح ملی و جهانی اتخاذ میشوند. عبارت دیگر، تدابیر مبارزه اجتماعی را میتوانیم از نظر علوم سیاسی، جامعه شناسی و روانکاوی اجتماعی تعریف و تشریح کنیم و ضروریست که آنرا بطرز علمی بیاموزیم.

### داشتن هدف و برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت برای مبارزه

مبارزه میتواند بصورت انفرادی یا دستگمی دنبال شود: مبارزه برای احراز مقام و منزلت، مبارزه برای مال اندوزی، مبارزه برای سالم سازی محیط زیست، مبارزه برای برابری حقوق زن و مرد، مبارزه برای تامین حقوق کهن سالان، مبارزه علیه دیکتاتوری، مبارزه برای صلح و غیره.

به عبارت دیگر، زندگی روزمره هر انسان تدابیری هستند که هر فرد برای تحقق امیال شخصی و اجتماعی اتخاذ میکند تا شرایط بقا و تکامل بخشیدن خود و همنوعانش و همچنین محیطی که در آن بسر میبرد را فراهم سازد. از آنجاییکه انگیزه انسانها، محیط و شرایطی که در آن زیست میکنیم متنوع هستند و عوامل مختلف طبیعی، تاریخی (شرایط در مقطع زمانی مشخص) و اجتماعی در روند زندگی انسانها اثر میگذارند، تدابیری که برای تحقق انگیزه ها اتخاذ میشوند نیز متنوع خواهد بود.

انسانها در طول تاریخ تدابیر مختلفی برای بقا و تکامل بخشیدن مناسبات خود اتخاذ کرد و اند که این تجارب بمرور تبدیل به مقررات و رهنمود های عام اجتماعی شده اند. مثلا: انسانها آموخته اند که چگونه در برابر سرما، گرمای بیماری، جنگ، گرسنگی و یا دیکتاتوری خود را حفظ کنند و یا با آنها مقابله برخیزند. بنابراین مقررات عام مذبور را باید آموخت تا در شرایط خاص قادر باشیم دست بابتکار عمل بهتری بزنیم.

### تدابیر مبارزه اجتماعی در شرایط دمکراتیک و قانونی (جامعه باز)

تدابیر مبارزه در شرایط دمکراتیک دارای خصلت دمکراتیک خواهد بود. به این معنی که افراد و گروههای اجتماعی میتوانند با بکارگرفتن ابزار و شیوه های دمکراتیک، خواست ها و انگیزه های فردی و اجتماعی خود را مطرح کنند و یا از مناسبات اجتماعی حاکم انتقاد کنند و بر شیوه های اجرائی و تحقق خواسته های خود نظارت داشته باشند. تدابیر مبارزه در شرایط دمکراتیک مسالمت آمیز، باز و علنی خواهد بود؛ در چنین شرایط و مناسباتی مردم با شناخت متقابل از همدیگر و اگاهی از آنچه در جامعه حکمران است تصمیم گیری میکنند. در شرایط دمکراتیک، صاحبان قدرت سیاسی - اجتماعی برگزیده مردم هستند و وظیفه دارند که توسط نهادهای منتخب و مورد اعتماد مردم، خواسته های مردم را به اجرا در آورند. در چنین مناسباتی، گروههای مختلف اجتماعی و سیاسی نیز نقش خود را بر اساس قانون اساسی و سایر مقررات سیاسی- اجتماعی ایفا میکنند.

از آنجاییکه مشکل اساسی جامعه ایران استبداد و دیکتاتوری است، مبحث اصلی را به تدبیر مبارزه در شرایط ترور و اختناق اختصاص میدهیم.

### تدابیر مبارزه اجتماعی در شرایط ترور و اختناق

همانطور که اشاره رفت، مبارزه اجتماعی به انگیزه های مختلف بستگی دارد که تحقق آنها به شرایط معین و مشخص پیوند می خورد. در اینجا انگیزه های فردی و اجتماعی که از نظر علمی قابل بررسی بوده و در شرایط معین سیاسی- اجتماعی و تاریخی قابل تحقق باشند، مورد توجه ما هستند. بطور مثال استقرار دیکتاتوری و استبداد سیاسی و استمرار بخشیدن این مناسبات از مشکلات اساسی جامعه ایران محسوب میشوند. استقرار دیکتاتوری های فردی، فرقه ای و طبقاتی موجب ایستادی و واپسگرایی مناسبات اجتماعی ایران بوده اند و مبارزات مردم از اوایل قرن گذشته میلادی تاکنون به نتیجه مطلوبی نرسیده است. بنابراین برای اتخاذ تدبیر مبارزه اجتماعی بر علیه استبداد و دیکتاتوری، ضروری است که بطور همه جانبی و علمی از خصلتها و ماهیت آنان شناخت داشته باشیم و از طرف دیگر ضروری است که دلایل شکست و ناکامی مردم و مبارزان ضد دیکتاتوری را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم تا قادر شویم تدبیری را برای مبارزه اجتماعی آینده اتخاذ میکنیم که متناسب با انگیزه ها و اهداف مردم باشند تا از تکرار و باز تولید شکست و ناکامی های گذشته جلوگیری شود.

تاکنون نظامهای دیکتاتوری به اشکال مختلف از جمله دیکتاتوری فردی، دیکتاتوری نظامی و دیکتاتوری مذهبی در ایران حاکم بوده اند که به منظور در انحصار گرفتن قدرت سیاسی و اقتصادی به ترور و اختناق متول شده و میشوند. مردم که از حق انتخاب و مشارکت و از مزایای مختلف دیگر اجتماعی محروم میشوند، بصورت انفرادی و گروهی به چاره‌جوئی می‌پردازند تا منافع فردی و گروهی خود را تأمین کنند و یا بمقابله بر می خیزند تا شرایط حاکم را تغییر دهند.

### مصالحه با دیکتاتوری

در جوامع مختلف عناصر و گروههای اجتماعی فرصت طلبی یافت میشوند که حاضر نیستند بنفع مردم و جامعه و بر علیه دیکتاتوری مبارزه کنند بلکه فرصت طلبانه در صدد هستند با دیکتاتور ها مصالحه کنند تا بنحوی از مزایای حکومت دیکتاتوری بهره مند شوند. چنین افراد و محافلی برای توجیه عملکرد خود به تدبیر مخالف متول میشوند و عملکرد خود را «زیرکی سیاسی» برای تأمین منافع شخصی خود تو صیف میکنند. بطور مثال:

الف- روشنفکر نهادهای فرصت طلب که شیوه خودنمایی هستند، تلاش میکنند که پدیده دیکتاتوری را با جمله پردازی های تئوریک توجیه کنند. برای توجیه عملکرد خود حتی ضمن اهانت به مردم ادعا میکنند که «مردم عقب مانده جامعه هنوز شایسته دمکراسی نیستند». یا اشک تمساح می ریزند و میگویند که «مردم گرسنه نیاز به بهبود اقتصادی دارند که از طریق پنجه آهین دیکتاتوری قابل تحقق است.» یا مدعی میشوند که «بدون رشد اقتصادی، استقرار دمکراسی امکان پذیر نخواهد بود.»

- ب - برخی از عناصر فیزیک خاطر اینکه در غارت منابع و ثروت ملی سهیم شوند، با دیکتاتور ها همکاری میکنند و حتی آماده میشوند در بکار بستن خشونت و ترور دگر اندیشان نقش فعالی ایفا کنند.
- پ - عده ای از افراد جامعه نیز تحت تاثیر تبلیغات ایدئولوژیکی و بنیاد گرایانه مذهبی آنچنان تحریق میشوند که حاضر نند در ترور و جنایات بی رحمانه شرکت کنند. نمونه های این دستجات در حکومتهای هیتلر، موسولینی و استالین حضور فعال داشتند. این خصائی را در زمان حکومت شاه و همچنین در رژیم جمهوری اسلامی هم شاهد بوده ایم. پس از روی کار آمدن خاتمی بخش بزرگی از ورشکستگان سیاسی به خدمت رژیم در آمدند و صفوف نیروهای اپوزیسیون چندین سال مخدوش شده بود.

### مبارزه علیه دیکتاتوری

در جوامع بشری عده کثیری نیز هستند که بعلت آگاهی سیاسی و رشد و جدان اجتماعی شان حاضر نمیشوند با نظامهای دیکتاتوری مصالحه کنند و منافع اجتماعی را فدای منافع فردی خود کنند.

معمولًا در جوامعی که مردم آن از سازمان یافته‌گی و نهادهای دمکراتی خواهی برخوردار نیستند، ابتدا بخشی بزرگی از مردم در برابر دیکتاتورها سکوت میکنند و رویدادها را با سوء ظن نظاره میکنند. اما این سکوت علامت رضایت نیست. مردم بمror می آموزند که چگونه یا بطور خود جوش و یا سازمان یافته در برابر دیکتاتورها ایستادگی و مبارزه کنند.

در شرایطی که دیکتاتوری و ترور و اختناق حاکم میشود ابتدا تعداد محدودی از روشنفکران آگاه، دانشجویان و مبارزین سیاسی شجاعانه بطور علنی یا مخفی، سازمان یافته و یا با ابتکار فردی و خودجوش بمقابله بر میخیزند و مبارزه میکنند. و بمror سایر اقسام مردم که سکوت اختیار کرده بودند بدبانی پیشتران مبارزه حرکت میکنند و مبارزه اجتماعی علیه دیکتاتوری شکل و محتوای غنی تری کسب میکند.

### الف- مبارزه مسالمت آمیز بشکل مقاومت منفی

اینگونه تدابیر مبارزه اجتماعی را نافرمانی مدنی نیز می نامند. باین معنی که مردم به اشکال مختلف از همکاری بارزیم امتناع می ورزند. کم کاری در ادارات و کارخانه ها، افشاگری و روشنگری در باره ماهیت دیکتاتوری در میان اعضای خانواده، دوستان، در مدرسه، دانشگاه و کارگاهها و ادارات، و در هر کوی و محله بطرز گسترده و همه جانبیه دنبال میشود. با رعایت مسائل امنیتی، روشنگری و جلب پرسنل نیروهای انتظامی و ارتش در دستور کار قرار میگیرد تا آنان در شرایط ضروری از اجرای فرامین سرکوب اجتناب ورزند و برنامه های سرکوب و ترور رژیم دیکتاتوری را عقیم بگذارند و یا اطلاعات درونی رژیم را در اختیار نیروهای دمکرات بگذارند. و در شرایط سرنوشت ساز سیاسی، به نیروهای مردم و جنبش دمکراتی خواهی بپیوندد.

### ب- مبارزه پیگیرانه و قاطعاته مسالمت آمیز

جنبه های دیگر مبارزه مسالمت آمیز اجتماعی اینستکه افراد به ضرورت کار دستجمعی و سازمان یافته واقع میشوند و بر علیه دیکتاتوری بمقابله برمی خیزند. در جوامع مدرن پیشرفت کنونی جهان، مبارزات فردی به نتایج مطلوبی نمی رساند و ضروریست که افراد دارای انگیزه های صنفی، سیاسی و یا اقتصادی مشترک ابتدا تشکیلات و سازمان مطلوب خود را بوجود بیاورند و اهداف و برنامه های سیاسی و برنامه عمل مبارزاتی خود را برای کوتاه مدت و دراز مدت تدوین کنند.

داشتن طرح و برنامه و چشم انداز سیاسی دارای اهمیت ویژه ای است. مناسب با هر طرح و برنامه سیاسی صنفی ضروریستکه اتحادیه های صنفی، گروه های سیاسی، گروه های کار برای اجرای طرح و برنامه ها ایجاد شوند. مسائل و مشکلات اجتماعی در سطح ملی و جهانی بهم گره خورده اند و بعضاً پیچیده می نمایند. غالباً برشکیلات و راهیابی های مناسب سیاسی و اجتماعی از طریق یک فرد و یا یک جمع کوچک نه تنها امکان پذیر نیست، بلکه خصلت ضد دمکراتیک نیز کسب میکند. لذا ضروریست که در هر گروه اجتماعی و تشکیلات سیاسی، رهبری دستجمعی اعمال شود و مسئولیتها بدرستی بین مبارزین و کوشندگان اجتماعی تقسیم گردند و روابط انسانی سالم و مناسبات تشکیلاتی دمکراتیک و کار ساز تنظیم شوند تا همه استعدادها بکار گرفته شوند و تشکیلات و جنبش سیاسی کمتر دچار اشتباه و خطأ گردد. همگام با این اقدامات ضروریست که امکانات مالی، تبلیغاتی و تکنیکی فراهم شوند، و گرنه مبارزه به انحراف کشیده میشود و یا از استمرار باز می ماند. تشکیلات سیاسی، جبهه یا جنبش دمکراسی خواهی مردم، موقعی میتواند به پیروزی دست یابد و به نتیجه مطلوب برسد که از پشتیبانی مردم برخوردار باشد. مردم نیز موقعی به پشتیبانی یک تشکیلات یا جنبش دمکراسی خواهی برمی خیزند که هم به برنامه سیاسی و هم به رهبران آن تشکیلات و جنبش اعتماد داشته باشند و از عملکرد و پیگیری آنان در مبارزات اجتماعی راضی باشند.

عامل مهم دیگری که از نظر روان اجتماعی در جوامع استبدادی و دیکتاتور زده نقش ایفا میکند اینستکه شکل های سیاسی مخالف رژیم بتوانند در بر این دشمنان دمکراسی قدرت نمائی کنند. تشکیلات سیاسی و جنبش دمکراسی خواهی نیز موقعی قادر است قدرت نمائی کند که با افشار مختلف اجتماعی ارتباط داشته باشد و به اشکال مختلف آنرا سازماندهی کند و بتواند برغم وجود ترور و اختناق در همه جا ابراز وجود کند و نیروهای دشمن را کلاهه و تجزیه کند. تکیه به فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق، تلقیقی از مبارزه علنی و مخفی، توجه به امر سازماندهی گسترده و سراسری در جامعه، موجب تداوم واستمرار مبارزه و جلب هرچه بیشتر اشاره اراضی جامعه میشود و باین ترتیب شرایط اعمال قدرت مقابل اجتماعی نیز فراهم میگردد.

در ایران تجارت فراوانی در ارتباط با مبارزات مسالمت آمیز و یا قهر آمیز بدست آمده است که ضروریست مورد بررسی قرار گیرند.

قریب باتفاق سازمانهای سیاسی سنتی و رهبران آنها از مبارزات مسالمت آمیز درک نادرستی دارند. بی حالی و بی رمقی و فقدان قاطعیت سیاسی، عدم برخورداری از تشکیلات منظم و دمکرات «مبارزه مسالمت آمیز» نیست. بسیار اتفاق افتاده که گروه بندی های سیاسی سنتی با چنین بینشی ابراز وجود میکنند و پس از

چندی در لانه های خود می خزند و اثر دیگری از ایشان مشاهده نمی شود. فقدان برنامه ریزی دراز مدت برای استمرار بخشیدن به مبارزه، عدم توجه به نقش زنان و جوانان، برقرار کردن روابط فamilی و خانوادگی در تشکیلات سیاسی و موروثی کردن رهبری جنبش، با خاطرات تاریخی گذشته و گرامیداشت خاطره شهدا نیروی مردم را تلف میکند و سپاهات ها را با نوحه خوانی به سبک آخوندی مشغول می سازد. بینش و منش عقب مانده و ساختار تشکیلاتی فرسوده موجب میشود که حتی در درون یک تشکیلات برخی اعضاء علیه همدیگر توطنه کنند. بهمین دلایل نیز جنبش های سیاسی هر بار پس از چند جست و خیز احساساتی نهایتاً با بحران و ناکامی مواجه می شوند.

تاریخ تحولات سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تاکنون - خصوصاً در سالهای 39 تا 43 - و پس از فروپاشی نظام شاه نشان داد که، در اثر کمبودهای فاحش در ساختار فکری- سیاسی - تشکیلاتی و رهبری سازمانهای سیاسی سنتی، عده ای از جوانان و کادرهای سیاسی، که از سازمانهای مزبور سرخورده شده بودند، به مبارزه مسلحه و قهر آمیز بعنوان استراژی مبارزه برای کسب قدرت سیاسی روی آورند.

تجارب تاریخی جهان و ایران نیز بوضوح نشان داده اند که مبارزه مسلحه و بکار گرفتن خشونت برای کسب و انتقال قدرت سیاسی، نهایتاً موجب استقرار دیکتاتوری دیگری میگردد.

مبارزه مسالمت آمیز باین مفهوم نیست که دشمن همه شبکه های تشکیلاتی، رهبران و مبارزان جنبش دمکراتی خواهی را بشناسد و از همه تاکتیکهای مقاومت و مبارزه مطلع باشد.

همیشه شرایط سیاسی و تاریخی معینی ایجاد میکند که عده ای از مبارزین اولیه که نقش پیشگام در مقابل نظام دیکتاتوری را ایفا میکنند شناخته شوند و لذا بالاجبار بخش مهمی از فعالیتهای آنان نیز علی و شناخته میشوند. اما این گفته باین مفهوم نباید باشد که این افراد همه ابتکارات سیاسی و تشکیلاتی خود را به روال سابق ادامه بدهند و برنامه های مبارزاتی را مواجه با مشکل سازند و مبارزین جنبش دمکراتی خواهی را از طریق تشکیلات بی در و پیکر به دشمن بشناسانند و قربانی کنند.

اتخاذ تدابیر گوناگون و ابتکار عمل در مبارزه اجتماعی برای تضعیف روحیه دشمن و پسیج مردم اگر اشکال اصلی مبارزه اجتماعی را «مبارزه مسالمت آمیز» و یا «مبارزه قهرآمیز مسلحه» فرض کنیم، سازماندهان چنین مبارزاتی به ابتکارات گوناگون و به تدابیر دیگری نیز متول میشوند تا روحیه نیروهای دشمن را تضعیف کنند و زمینه های ذهنی مساعدی برای پسیج هرچه بیشتر مردم فراهم سازند. این ابتکارات و تدابیر در خدمت تدابیر اصلی مبارزه اجتماعی قرار میگیرند. بطور مثال مبارزه اقتصادی سند یکاهای کارگران و کارمندان علیه رژیم برای کسب مزد و درآمد بیشتر و برای فلنج کردن امور مالی و اداری نظام دیکتاتوری، مبارزه تبلیغاتی برای افشاری رژیم و تبلیغ برنامه و دیدگاههای جنبش دمکراتی خواهی، انتشار اسناد محرومانه رژیم و افشاری فساد مالی و تبهکاری های رهبران نظام، ایجاد مراکز تربیت کادر و پژوهشگاههای ویژه بمنظور تربیت کارشناسان اجتماعی و پرورش کادر رهبری سیاسی بمنظور استمرار بخشیدن مبارزه و مقابله با نیروهای

و اپسگرا، و همچنین تضمین مدیریت آینده جامعه و ارائه طرح و برنامه برای نوسازی کشور، تنها نمونه هایی از این تدابیر است.

تدابیری که برای مبارزه مسلحانه و یا مسالمت آمیز اتخاذ میشوند با همیگر تقاووت دارند و هر کدام از شیوه های مبارزات مذبور نوع سازماندهی و ابزار کار مناسب خود را طلب میکند.

هدف از مبارز مسالمت آمیز اتخاذ تدابیری است که انتقال قدرت سیاسی از نظام دیکتاتوری به نیروهای دمکرات و منتخب مردم را بدون توسل به خشونت امکان چزیر می سازد. اما باید توجه داشت که مبارزه مسالمت آمیز مردم و نیروهای دمکرات موقعي به نتیجه میرسد که نیروهای مردم از قدرت سازمان یافته‌گی گسترشده و همه جانبه ای برخوردار باشند و رهبران جنبش دمکراتی خواهی قادر باشند باسیج و سازماندهی اقتدار مختلف اجتماعی و ایجاد قدرت مقابل اجتماعی شرایط فرسایش و تجزیه نیروهای دشمن را فراهم کنند و آنرا نهایتاً بزانو در آورند.

مبارزه مسلحانه یکی از شیوه های مبارزه اجتماعی است که میتواند به عنوان تاکتیک یا استراتژی بکارگرفته شود. افراد و سازمانهایی که مبارزه مسلحانه را بعنوان استراتژی انتخاب میکنند، از فلسفه خشونت طلبی برای رسیدن به قدرت و برخورد با دگراندیشان جانبداری میکنند. تجربه نشان داده است که چنین فلسفه وسیاستی عاقبت به دیکتاتوری می انجامد.

اما نیروهای دمکرات جهان مبارزه مسلحانه را بعنوان یک تدبیر تاکتیکی، که برای تحقق اهداف مرحله ای جنبه دفاعی داشته است، بکار بسته اند. بطور نمونه میتوان از مقاومت مسلحانه نیروهای دمکرات اروپا دربرابر نازیسم و فاشیسم نام برد. این نیروها از چپ تامحافظه کارپس از تشكیل جبهه واحد ضد فاشیسم باشکت در جنگ پارتیزانی موفق شدند نیروهای هیتلر و موسولینی را در اروپا شکست بدند. همین نیروها پس از پیروزی و استقرار قانون دویاره به مبارزه و رقابت پارلماناریستی و شیوه های مسالمت آمیز روی آورند.

باید یاد آورشد که ساختار سازمانهای سیاسی- نظامی هرمی شکل است که افراد در آن با پذیرش انضباط (دیسیپلین) و دستور العمل های سیاسی- نظامی فعالیت میکنند. سازمانهای سیاسی که مبارزه مسلحانه را بعنوان یک تاکتیک می پذیرند، میتوانند دارای شاخه نظامی مستقلی باشند که زیر نظر رهبری سیاسی- نظامی ویژه ای عمل کند.

در هر مبارزه اجتماعی، تبلیغات از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدون کارزار تبلیغاتی هیچ مبارزه ای به نتیجه مطلوب نمیرسد. نیروهای دمکرات جهان در حال حاضر میتوانند با یکار گرفتن اینمیل، اینترنت، رادیو و تلویزیون قدرت سانسور نظامهای دیکتاتوری را بشکنند و با افشاگری و روشنگری نیروهای مردم را بهتر بسیج کرده، در سازمانهای مبارز مشکل سازند.

### تلفیق مبارزه علنی و مخفی

مبارزه اجتماعی میتواند به شکل علنی، مخفی و یا تلفیقی از هر دو شکل سازمان یابد. باید توجه داشت که مبارزه مخفی معمولاً در شرایط ترور و اختناق سازماندهی میشود. سازماندهی مبارزه مخفی الزاماً بهمراه طرفداری از خشونت نیست. بلکه تدبیری است که برای تحقق اهداف زیر اتخاذ میگردد:

الف- کادرها و کوشندگان مبارز از ضربات دشمن در آمان باشند.

ب- با حفظ کوشندگان مبارزه، استمرار مبارزه تضمین شود.

پ- با استمرار مبارزه نیروهای دشمن تجزیه و فرسوده شوند.

ت- از طریق سازماندهی مخفی شبکه های سیاسی - مبارزاتی در سراسر کشور ایجاد میگردد تا نیروهای دمکرات بتوانند شرایط رهبری قیام سراسری مردم را فراهم سازند و همچنین قادر باشند پس از فروپاشی دیکتاتوری از هرج و مرج و انقام‌جوئی های خودسرانه جلوگیری بعمل آورند.

با ایجاد شبکه های مخفی سیاسی- مبارزاتی قادر خواهند شد که رهبران و کوشندگان جنبش دمکراتی خواهی را حفظ کنند و توده های مردم را به آینده امیدوار سازند.

### فنون و شیوه های سازماندهی

معمولًا هر سازمان سیاسی دارای دو گونه برنامه و لیست اهداف است: مرحله ای و کوتاه مدت، استراتژیک و دراز مدت. بنا بر این، ضرورت دارد که سازمانها برای تحقق اهداف و برنامه های سیاسی کوتاه مدت و یا دراز مدت خود تشکیلات (سازمان) سیاسی متناسبی نیز بعنوان ابزار کار بوجود بیاورند. مبارزین سیاسی موقعی میتوانند تدبیر مبارزاتی خود را بکار اندازند که از ابزار تشکیلاتی متناسبی برخوردار باشند تا به نتایج مطلوب برسند. بدون سازمان یافته‌گی مردم و بدون سازماندهی مبارزه، کوشندگان سیاسی در اهداف خود موفق نخواهند شد و مبارزه اجتماعی مردم مواجه با شکست و ناکامی خواهد شد.

باید همیشه مد نظر داشته باشیم در جوامعی که در آن آزادی و دمکراسی حکم‌فرماست، تدبیر

مبارزاتی و فنون سازماندهی نیز باز، علنی و دمکراتیک خواهد بود.

اما در جوامعی که در آن دیکتاتوری، ترور و اختناق حکم‌فرماست و مبارزه اجتماعی هنوز توده ای،

سراسری و گسترده نشده است، شیوه مبارزه و سازماندهی علنی را باید محدود کرد تا کوشندگان سیاسی و تشکیلات کمتر آسیب ببینند. در شرایط ترور و اختناق ضروریست که با ایجاد شبکه های سه تا هفت نفری در سراسر کشور مبارزین خود را سازماندهی کنند و تلفیقی از شیوه مبارزه علنی و مخفی را در دستور کار قرار دهند. این سیاست و شیوه کار تازمانی ادامه می یابد که جنبش و تشکیلات سیاسی مورد نظر قادر باشد مردم سراسرکشور را بطور گسترده برای قیام و قدرت نمائی در برآبرد دیکتاتوری بمیدان بیاورد.

هم اکنون در ایران مشاهده میکنیم سازمانهایی که فقط به شیوه مبارزه و سازماندهی علنی عادت کرده

اند، رهبران و کوشندگان شناخته شده آنها تحت کنترل رژیم دیکتاتوری قرار دارند. تمام ارتباطات پست، تلفن،

ایمیل و رفت و آمد به منازل آنان تحت نظر دستگاه های سرکوبگر رژیم قرار داشته و در حقیقت به مهره های سوخته ای بدل میشوند که اگر افراد مبارز دیگر به آنان نزدیک شوند بمخاطره خواهند افتاد. روند مبارزه و ضرورت رویاروئی با دیکتاتوری موجب میشود که عده ای از مبارزین شناخته شوند. اما این امر نباید باعث شود تا رهبران شناخته شده عاقبت اندیشی نکنند. رهبران علی و شناخته شده جنبش دمکراتی خواهی ایران باید سازمان و همزمان خود را برای مبارزه ای ساخت و دراز مدت آماده کنند. بنا بر این باید در اتخاذ شیوه ها و تاکتیک های مبارزه و در شیوه های سازماندهی تجدید نظر کنند. اگر رهبران مبارزین سیلیسی که از طرف رژیم شناخته شده اند از پوسته کنونی خود خارج نشوند و با چشم انداز یک مبارزه درازمدت برنامه ریزی نکنند، رژیم خواهد توافق است با صحنه سازیهای داخلی و زد و بندهای بین المللی و همچنین شدید بخشیدن سرکوب، جنبش دمکراتی خواهی را برای طولانی مدت عقیم سازد. بارها شاهد آن بوده ایم که به محض اینکه مبارزین شناخته شده داخل کشور برنامه تظاهرات اعتراض آمیزی رااعلام کرده اند، همه کوشندگان شناخته شده پیشاپیش دستگیر شده و رژیم قادر بوده است حرکات اعتراضی را مهار کند. اخیرا حتی مطلع شده ایم که نیروهای سرکوبگر تا آنجا پیش رفته اند که از دینامیسم درون تشکیلاتی و اختلاف نظر های افراد با هم مطلع هستند و بطور هدفمند برای تفرقه در میان مبارزین سیلیسی برنامه ریزی میکنند.

### ترکیب شبکه های تشکیلاتی و نقش آنها

هر شبکه سیلیسی - مبارزاتی در شرایط ترور و اختناق میتواند از سه تا هفت نفر تشکیل گردد. چرا سه تا هفت نفر؟

هر شبکه تشکیلاتی - مبارزاتی وظیفه خواهد داشت که بطور مستقل در همه زمینه ها عمل کند. لذا باید حداقل از سه نفر تشکیل گردد تا بتوانند از عهده انجام امور خود برآیند. سه نفر تشکیل دهنده باید صاحبینظر، سازمانده، مبارز و دارای خصلت دمکراتیک باشند. یعنی در شرایط اضطراری و عدم دسترسی به رهبران کل جنبش، باید قادر باشند از نظریات جنبش دمکراتی خواهی دفاع کرده و آنرا تبلیغ کنند. تشکیل دهنگان یک شبکه تشکیلاتی باید دارای شخصیت هایی صادق و صمیمی نسبت به مدیگر و نسبت بمردم باشند. همچنین این افراد باید در مبارزه برای استقرار دمکراتی چشم انداز روشی داشته باشند.

افراد تشکیل دهنده هر شبکه باید بیاموزند که چگونه امکانات مالی و تکنیکی و تسهیلات لازم برای استمرار مبارزه خود فرا راهم کنند. ضروری است که به فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق آگاهی داشته باشند و نه تنها خودشان را حفظ کنند بلکه در راه گسترش و موفقیت مبارزه کوشان باشند.

بعبارت دیگر تشکیل دهنگان هر شبکه تشکیلاتی - مبارزاتی باید بیاموزند که خود کفا باشند. افراد هر شبکه تشکیلاتی که نقش سیلیسی- مبارزاتی را بر عهده میگیرند باید بین خود تقسیم کار کنند و بطور هفتگی یا ماهیانه از نتایج کار خود جمعبندی بعمل آورند تا کمبودها و نواقص کار را جبران کنند. افراد تشکیل دهنده هر شبکه تشکیلاتی از حقوق مساوی برخوردار بوده و در مسائل اساسی باهمدیگر مشورت و تصمیم گیری کنند و رهبری دستجمعی را به مرحله اجرا در آورند.

در شرایط ترور و اختناق ترکیب شبکه های تشکیلاتی نباید از هفت نفر تجاوز کند، زیرا ترکیب افراد هرچه گستردۀ تر باشد، تضمین امنیت شبکه مزبور و حفاظت افراد مشکل تر خواهد شد. گاهگاهی اتفاق می افتد که یک فرد در اثر بی احتیاطی و یا بطور اتفاقی بخطر می افتد. هر شبکه باید پیشایش چنین رویدادهای را پیش بینی کند و مقررات و علامت گذاری خاصی را وضع کند تا هر ملاقات و نشستی با رعایت مسائل امنیتی صورت پذیرد. در شرایط ترور و اختناق نباید با سهل انگاری و نا پختگی حرکت کرد.

**هشیاری مبارزاتی دربرابر توطئه ها و ترفندهای نیروهای سرکوبیگرو محافل ارتجاعی**

ضروریست همه افراد شرکت کنندۀ در جنبش دمکراسی خواهی بیاموزند که از خود، همزمان خود و آرمانهای جنبش دمکراسی خواهی حراست بعمل آورند. یک مبارز دمکرات تنها کافی نیست که شجاع و مقاوم باشد، بلکه باید از توطئه ها و ترفندهای نیروهای ارتجاعی نیز آگاهی داشته باشد و باهشیاری عمل کند. نیروهای دشمن همیشه رودرزو و عربیان عمل نمیکنند، بلکه سعی ایشان بر این است تا از ضعف افراد و اختلافات درون تشکیلاتی جریانهای سیاسی نیز بهره برداری کنند. نیروهای ارتجاعی گاهی باخشونت و گاهی درلباس دوست ظاهر میشوند.

نیروهای وابسته به دیکتاتوری با امکانات مالی، قدرت نظامی و تجهیزات تکنیکی پیشرفته وارد کار زار میشوند. نیروهای دمکرات جامعه با پشتیبانی مردم و با بهره گیری از استعدادهای خلاق خود بمقابلۀ با آنان برمی خیزند. نیروهای دمکرات موقعی میتوانند تعادل قوا را بنفع خود تغییر دهند که رابطه ای ارگانیک (سازمان یافته) باتوده های مردم داشته باشند و به فنون سازماندهی و تدايير گوناگون مبارزاتی تسلط داشته باشند. یکی از فنون مبارزه اجتماعی، شیوه مبارزه و مقابلۀ با نیروهای سرکوبیگرو ارتجاعی است. افراد و شکل های دمکرات باید بکوشند از برنامه ها، شیوه های مقابلۀ، ترفندها و حیله گریهای نیروهای سرکوبگر مطلع شوند و آنها را خنثی سازند.

مبارزینی که از نظر پلیس ارتجاع شناخته نشده اند، نباید علاوه بر مبارزین شناخته شده تماس برقرار کنند. همچنین از تلفن منازل مسکونی خود برای گفتگو و قرار های سیاسی نباید استفاده کنند. آگاه باشند که تلفن همراه (موبیل) وسیله مطمئنی برای ردپول کردن اطلاعات نیست، زیرا فن آوری بی سیم کاملا قابل شنود دستگاه های امنیتی است. بویژه موبیل افراد شناخته شده کاملا تحت کنترل سازمان امنیت است (در زمان فلاحیان، وزارت اطلاعات دستگاههای مجہز الکترونیکی از آلمان خریداری کرد که میتوانند امواج تلفن همراه اشخاصی را که تحت پیگرد قرار دارند، کنترل کنند). مبارزین سیاسی هنگامی که جلسه و ملاقات سیاسی دارند حتما باید تلفن همراه خود را خاموش کنند. زیرا از طریق کنترل امواج تلفن همراه، محل و مکان تجمع آنان را می توان شناسائی و ردیابی کرد.

تا آنجائیکه امکان دارد مبارزین شناخته شده باید رفت و آمد ها و ارتباطات علی خود را محدود کنند.

مبارزینی که از طرف پلیس شناخته شده نیستند، در صورتیکه در تظاهرات شرکت میکنند، باید از تاکتیکهای «مقابلۀ موضعی و گریز» برای فرسایش و گمراه کردن نیروهای دشمن استفاده کنند.

نیروهای پلیس و ماموران امنیتی رژیم به آسانی میتوانند در سازمانهای سنتی فرسوده و بی رمق رخنه کنند و از این راه از برنامه های مبارزات علی مطلع شوند. بنابراین در تماس با اینگونه سازمانها باید محاط بود. ترفندهای مختلف نیروهای دشمن از جمله اینستکه کوشش میکنند از ضعف ها و جاه طلبی های افراد، از شرایط نا مناسب خانوادگی و روابط خصوصی و خویشاوندی افراد مبارز اطلاع کسب کرده و برآن اساس برنامه ریزی کنند.

هر مبارزی باید درباره مکانی که زندگی میکند، با آدم هائی که معاشرت میکند، در محلی که جلسه میگذارد، از ایزاری که برای گذراندن امور خود استفاده میکند شناخت و آگاهی داشته باشد. مبارزین سیاسی که در شرایط ترور و اختناق فعالیت میکنند، باید در مورد دانستن اسامی افراد و مناسبات سایر شبکه های تشکیلاتی کنجدکاری به خرج دهند. مبارزینی که در شرایط ترور و اختناق بسر می برند میتوانند از طریق ایمیل و اینترنت و با رمز گذاری، امور شبکه های مختلف سیاسی - مبارزاتی را با همدیگر هماهنگ سازند.

### نکاتی

پیرامون شکل گیری "فرهنگ عمومی" و "فرهنگ سیاسی" در جامعه - چگونه خصلتها را ترقیخواهانه و یا واپسگرایانه "زنگنه" (موروثی) میشوند و از نسل دیگر در جامعه انتقال می یابند.

بعد مختلف "پندار"، "گفتار" و "کردار" روزمره مردم یک جامعه را مورد ارزیابی قرار بدھیم و خصلتها و خصوصیات آنان را با مردم جوامع دیگر مقایسه کنیم متوجه خواهیم شد که افراد هر جامعه از یکطرف دارای خصلتها انسانی و اجتماعی" ویژه ای" هستند که متاثراز شرایط خاص آموزش و پرورش خانوادگی، روابط خویشاوندی و "ایلیاتی" و مربوط به شرایط محیط زیست میباشد، از طرف دیگردارای خصلتها "عام، همگرا و مشترکی" با سایر مردم جامعه میباشد که در اثر همزیستی با سایر مردم جامعه، و فرهنگ اجتماعی راچ و غالب در جامعه در آن زیست میکند، "دریافت" و "باز تولید" میکند. بنابراین، خصلتها انسانی و "بینش و منش" هر فرد فقط از طریق شرایط خاص خانوادگی و یا جایگاه طبقاتی شکل نمیگیرند بلکه مناسبات عام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی که در کل جامعه حاکم هستند، نقش تعین کننده ای در ساختار روحی و فرهنگی هر فرد ایفا میکنند.

مشاهدات روزمره نشان میدهد که افراد جامعه بطور آگاهانه و یا ناخودآگاه "خصلتها فردی" یا "فرهنگ طبقاتی"، "فرقه ای" و همچنین "فرهنگ عمومی و مشترک اجتماعی" خویش را در عملکردهای روزانه شان به نمایش میگذارند.

جامعه شناسان، روان شناسان و روانکاران مختلفی نظیر : لونا چارسکی، پاولف، فروید، اریک فروم، ویلهلم رایش، گوستاو یونگ، آلفرد آدلر، مانفرد کیلمنز، پلخانف، مارکس و انگلس درباره مسائل روحی و روانی انسانها، درباره پدیده های بغرنج فرهنگی، سیاسی و روانی نظیر "مازوخیسم"، "سدیسم"، "فاشیسم"؛ همچنین درباره "از خود بیگانگی"، "نقش شخصیت در تاریخ"؛ درباره روند شکل گیری "آگاهی طبقاتی"، "فرهنگ سیاسی"، "فرهنگ اجتماعی" اظهار نظر کرده اند.

در اینجا بطور اساسی به عوامل و روند شکل گیری "فرهنگ اجتماعی" و "فرهنگ سیاسی" خواهیم پرداخت تا از این طریق شناخت بهتری از "بینش و منش" و "نقش اجتماعی" هر "فرد" و "گروه‌بندیهای اجتماعی" داشته باشیم.

### روند شکل گیری فرهنگ اجتماعی

لونا چارسکی، یکی از نظریه پردازان روسیه عقیده دارد که "... انسان بخودی خود یک لوح پاک کوچک، یک ورق کاغذ سفید، از همان کودکی شروع به ثبت حروف زندگی میکند..." روانکاران و جامعه شناسان مختلف براین عقیده هستند که "واقعیت" هائی که در خانه، در مدرسه، در مناسبات جامعه، در محیط طبیعی زیست و در اثر رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی بوسیله ذهن و شعور انسانها "دریافت" می شوند، سپس طی روندی در ضمیر انسان ها" درونی" میشوند و تحت شرایط معین تاریخی و اجتماعی "تجدید تولید" میگردند ونهایتاً احساس، شعور، بینش و منش انسانها را سامانه می بخشنند که در "گفتار"، "پندار" و "کردار" انسانها تبلور پیدا میکنند.

## "عادت ها" چگونه شکل می گیرند و در فرهنگ اجتماعی تأثیر میگذارند؟

انسانها تا مدت زمان معین و تحت شرایط مشخص قابلیت "پذیرش و دریافت" اندیشه نو را دارند و قادرند آنرا در "ضمیر خود متحول سازند" و به "بینش و منش نوینی" تبدیل سازند که "جایگزین" بینش و منش کهن شود. اما اگر مناسبات تولیدی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و شرایط زیست انسانها تغیر اساسی نکند و همان مناسبات با راهنمایی تکرار و باز تولید گردند، خصلتهای کسب شده آنچنان "ارونی" میشوند که تبدیل به "عادت" میگردند. بهمین دلیل بخشی از انسانهای جامعه، خصوصاً افراد کهنسال، به نوعی اندیشیدن، به نوعی رفتار اجتماعی داشتن، و به شیوه خاصی سخن گفتن "عادت" میگذارند و حاضر ( قادر ) نیستند آنرا به آسانی تغیر دهنند.

"عادتها" اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، شیوه تفکر و کردارهای اجتماعی "ثبت" شده ائم هستند که در تصمیم گیریهای فردی و اجتماعی بطور "ناخودآگاه" اثر میگذارند و نقش "بازدارنده" بزرگی در برابر "نواوری" ایفا میکنند. اما برخی "عادتها" خوب "میتوانند در حفظ "خصلتهای مطلوب فرهنگی و انسانی" نقش سازند و تداوم بخش ایفا کنند. چند مثال درباره "عادت های مطلوب و نا مطلوب اجتماعی" : عادت به خرافات، عادت به زن ستیزی، عادت به پرسش قدرت، عادت به منفی بافی و بیهوده نگری، عادت به سلوک و همزیستی، عادت به مهمان نوازی، عادت به دمکرات منشی، عادت به یاوری و همیاری عادت به وقت شناسی و عادت به احساس مسئولیت اجتماعی و... هر کدام از اینگونه "عادت" ها میتوانند در شکل گیری مناسبات اجتماعی و سامانه بخشیدن ساختار "فرهنگ اجتماعی" و "فرهنگ سیاسی" نقش مهمی ایفا کنند.

## ایدئولوژی و خرافات مذهبی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

همانطور که اشاره رفت، انسانها از زمان کودکی تا سنین بلوغ "واقعیت" های محیط خود را "دریافت" میکنند و در ضمیر خود "ارونی" کرده به "احساس" و "شعور" فردی و اجتماعی تبدیل میکنند. اماید توجه داشت که "همه" واقعیت "های مادیت یافته در ضمیر انسانها، بیانگر "حقیقت" نیستند، بلکه بخشی و یا قسمت اعظم آنها در جوامع موجود دنیا "کاذب"، غیر علمی و ارتجاعی هستند که از طریق مناسبات مالی و اقتصادی و اسکرایانه یا غارتگرانه، آموخت و پرورش ارتجاعی و تبلیغات ایدئولوژیکی شکل میگیرند و "شعور کاذب" فردی و اجتماعی را بوجود می آورند.

مارکس و انگلس "ایدئولوژی" را "شعور کاذب" می نامند و عقیده دارند که انسانها بجای "مذهب" و یا "ایدئولوژی" ضروری است که به "جهان بینی علمی" متولّ شوند. در جوامعی که "مذهب"، خرافات و "ایدئولوژی" حاکم هستند، "احساس" و "روان اجتماعی" مورد تهاجم عناصر غیر علمی قرار میگیرند و "شعور کاذب" را بوجود می آورند و شعور کاذب نیز در ترویج بینش و منش و عادتها ارتجاعی نقش تخریبگرانه مهمی ایفا میکند.

مناسبات تولیدی عقب مانده ، مناسبات سیاسی قدرتمندار و تبلیغات ایدئولوژیک و مذهبی، ابزار "تحمیق" بشریت محسوب میشوند. مذاهبان و ایدئولوژی ها موجب میگردند که انسانها با تعصب و تحریج رفکری ( دگماتیسم )، وبصورت "تک بعدی" و انتزاعی به مسائل جامعه و جهان برخورد کنند و "واقعیت های محیط" خود را بعنوان "حقیقت های سرنوشت ساز" پذیرند.

## دیکتاتوری، دیکتاتور یوری، فرهنگ خشونت و فرست طلبی در جامعه

فقدان رفاه اجتماعی، فقدان امنیت سیاسی و قضائی، و تقسیم بندی جامعه به "خودی" و "ناخودی"؛ فقدان آزادی های فردی و اجتماعی، پایمال کردن حقوق زنان و اقلیت های

قومی و مذهبی و اصولاً هر نوع تبعیض در جامعه؛ همچنین نا امیدی نسل جوان کشور به آینده خویش، موجب می شوند که فرهنگ خشونت و نفرت در جامعه ترویج پیدا کنند؛ توده های مردم جوامعی که سالها در یوغ دیکتاتوری زندگی کرده اند و از سازمان یافتنگی و تشکل دمکراتیک محروم هستند و چشم انداز امیدوار کننده ای برای نجات خود نمی بینند، به تئوری و "فرهنگ توطنه گری" روی می آورند و یا راه نجات خویش را" از طریق مراکز غیبی قدرتمدار" جستجو میکنند. و گاهی نیز با خاطر "تلاش برای معاش" دربرابر صاحبان قدرت ، "تمکین" میکنند، برای آنان صلوات میفرستند و "هورا" میکشند.

درج‌وامع استبداد زده،"روشنفکر" بمفهوم واقعی خود، امکان رشد و مجال برای اپرازو وجود ندارد.اما دیکتاتورها از"روشنفکران فرست طلب"که بتوانند نقش"واسطه"بین مراجع قدرت و مردم ایفا کنند ، استقبال میکنند. بهمین دلیل، در جوامعی که دیکتاتوری حاکم است، تعدادی از روشنفکران فرست طلب کوشش میکنند که در ارتباط با مراجع قدرت جایگاه ویژه ای برای خود دست و پا کنند. اینگونه افراد برای اینکه به راهکارهای "آشتی" میان دیکتاتورها و توده مردم دست یابند، هردوطرف را برای رسیدن به تفاهمن"نصیحت"میکنند، روزهای با اپوزیسیون بسرمیرند و شبهابامراجعت قدرت خلوت میکنند تا خود را بعنوان"کارشناس" مطرح سازند.

### شرایط اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه

جامعه شناسان برجسته ای نظریه مارکس و انگلس عقیده دارند که : هرگونه مناسبات و شیوه تولید ، طرز فکری نیز به همراه دارد که بر روی همیگر اثر مقابل میگذارند. بعبارت دیگر، فرهنگ اجتماعی و کیفیت بینش و منش ما ارتباط تنگاتنگ به مناسبات تولیدی و اقتصادی جامعه دارند. مناسبات و اپسکرایانه و ناموزون تولیدی و اقتصادی ، همچنین استقرار دیکتاتوری و فاشیسم مذهبی موجب "سقوط فرنگ اجتماعی " شده اند.

نگرشی به روند تحولات تاریخ اجتماعی ایران نشان میدهد که طرز "تولید آسیاتی" در ایران حاکم بود و در ارتباط با چنین شیوه تولید، بخش بزرگی از"خدمات اجتماعی"از قبیل فراهم کردن امکانات برای"آبیاری" و تولید مواد غذائی در اختیار"دولت" قرار داشت و در نتیجه: وایستگی مردم از نظرنیازمندیهای تولیدی و خدمات اجتماعی ، موجب می شدکه حاکمیت سیاسی، "مطلق العنان شود و خصلت" استبدادی "کسب کند. استقرار طولانی مدت استبداد در ایران موجب شده است که اقسام و طبقات جامعه، خصوصاً"بورژوازی" و "پرولتاریا" نتوانند روند رشد و تکامل تاریخی خود را طی کنند و لذامشاهده میکنیم که این طبقات هنوز فاقد توانمندی و سرشت طبقاتی خویش هستند.

در کشورهایی نظریه ایران، اکثر افرادی که در جرگه ای "طبقه سرمایه دار" قرار میگیرند ، راه رشد و تکامل طبقاتی خود را از طریق مشارکت در مناسبات تولیدی و مدیریت جامعه طی نکرده اند و "حاکمیت استبدادی " به آنان اجازه نمیدهد که از خودشان " استقلال و ابتکار عمل " داشته باشند. بهمین علت، اکثربی آنان افرادی هستند که هنوز از خرد و" منطق بورژوازی" بهره ای نبرده اند. چنین افرادی فقط در اثر هم پیمان شدن با "مافیای قدرت سیاسی" و مشارکت درزدی و غارت ثروت ملی و دراثر مشارکت در امور قاجاق ، "صاحب سرمایه" میشوند.

فقدان فرنگ و آگاهی طبقاتی، عدم برخورداری از تشکل و سازمان یافتنگی بعنوان یک طبقه مستقل اجتماعی، موجب می شوند که "صاحب سرمایه" نتوانند نقش اجتماعی خود را در تولید، مدیریت و غنای فرنگ طبقاتی ایفا کنند.

فقدان توانمندی، درایت و آگاهی طبقاتی موجب شده اند که سرمایهداران ایران بطور غالب، خصلت "لمپنی" کسب کنند.

در اکثر کشورهای عقب مانده سه قاره ، فقط اقلیت بسیار کوچکی از "بورژوازی نوپا" دارای طرز تفکر " منطقی" هستند و " خرد گرایانه" در زمینه تولید و مدیریت جامعه عمل میکنند. اما اکثربی غالب سرمایه داران این کشورها، دارای خصلت "لمپنی" هستندو بهمین دلیل کارشناسان و پژوهشگرانی نظریر " گوند فرانک " آنها را"لمپن بورژوازی" می نامند .

خاصائی فرنگی " بورژوازی " کشورهای سه قاره موجب شده اند که دیکتاتورهای حاکم خودشان را " قیم " آنان قلمداد کنند. بی جهت نیست که گاهی "شاه" ، سپس "ولی فقیه" بنام " بورژوازی ایران" تصمیم گیری میکنند.

ابتکار عمل سیاسی و فرهنگی "بورژوازی تحت فرمان شاه" را که اکنون بطور عمدۀ در هجرت پس‌زمی برند، از طریق برنامه‌های تلویزیونی "الس آنجلس" تاکنون ملاحظه کرده‌ایم. و شاهد کردار "بورژوازی افتابیه" و لگن بدست نظام ولایت فقیه "در داخل کشور نیز هستیم.

خصلت طبقاتی "پرولتاریا" تهدیست ایران که متولد‌همان مناسبات عقب مانده و ناموزون جامعه و پرورش یافته در دامن "لمبن بورژوازی" است، نمیتواند بهتر و پیشرو تراز "بورژوازی" باشد.

واقعیت اینستکه: نیروهای تهدیست و رانده شده از دهات ایران که به نیروی "حاشیه نشین شهرها" تبدیل شده بودند، با آمیخته‌ای از "فرهنگ ماقبل سرمایه داری" و "فرهنگ خردۀ بورژوازی شهری"، نیروی عمدۀ "کارگران ایران" را تشکیل میدهند. مشاهده میکنیم که چنین نیرویی هنوز خصلت و "خد آکاهی طبقاتی" کسب نکرده است. هنوز مذهب و خرافات نقش تعین کننده‌ای در شیوه تفکر این طبقه ایقا میکنند. این طبقه نه خرد گراست و نه علمی می‌اندیشد؛ به همین دلیل طبقه کارگر ایران هنوز قادر نیست "به عنوان یک طبقه متکی به خویش" نقش "نیروی پیشتاز" را در جامعه ایفا کند. و بی‌جهت نیست که گروههای چند نفره مختلف از روشنگرکان "خودشیفته"، که خود را "مارکسیست - لنینیست" نیز می‌نامند، ادعای "رهبری" و "قیومیت" طبقه کارگر ایران را میکنند.

باين ترتیب نتیجه میگیریم که "لمبن بورژوازی" و "لمبن پرولتاریا" مولود جامعه‌ئی هستند که از نظر مناسبات تولیدی و شرایط فرهنگی و اپسگرایی، ناموزون و ارجاعی هستند. تا زمانی که نیروهای اجتماعی در چنین مناسباتی غوطه میخورند، قادر نخواهند بود که "فرهنگ اجتماعی ایران" را از نظر "خرد گرانی" و علمی "غنا بیخشند و باین زودی نیز قادر نخواهند بود که در روند تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نقش دمکراتیکی ایفا کنند.

### نقش "فرهنگی اقوام مختلف" در فرهنگ اجتماعی

در کشوری نظیر ایران که اقوام با خصلت‌های فرهنگی و اعتقادات مذهبی گوناگون قرنها با هم‌بیگر "همزیستی" کرده‌اند، فرهنگ و بینش و منش هرقومی بر دیگری اثرگذاشته است بطوریکه میتوانیم از یکطرف "فرهنگ و خصلت‌های مشترک ایرانی" را درکل جامعه مشخص سازیم و از طرف دیگر "ویژگیهای فرهنگی هر قوم درون ایران" را نیز تشخیص بدیم.

بنابراین، "فرهنگ عمومی مردم ایران" امیخته‌ای است از فرهنگ ملت‌ها و اقوام غیر ایرانی که در طول تاریخ در ایران حکمرانی کردند و "فرهنگ سیاسی و اجتماعی خود را بجا گذاشتند" و یا اینکه در اثر سیطره سیاسی ایرانیان، "جذب" مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام ایرانی شده‌اند.

بطور مثل: با وجودیکه قرنها از سیطره سیاسی و نظامی اعراب در ایران میگذرد، مشاهده میکنیم که فرهنگ و سیاست و اپسگرایانه اسلامی آنچنان در ایران باز تولید شده است که "حکومت اسلامی" با "فرهنگ قصاص و بیریت" هنوز در ایران حاکم است. اما باید توجه داشت که در هرکشوری "فرهنگ عمومی و اجتماعی" جنبه‌های تکامل بخش، سازنده و ترقی خواهانه و یا جنبه‌های و اپسگرایانه، ضد انسانی و فاجعه‌انگیز دارد. از اینکه چه عواملی (غلفت‌های سیاسی، نظامی یا فقدان توانمندی طبقاتی و یا سیطره خارجی) موجب "سقوط فرهنگی" و "سقوط سیاسی" مردم یک جامعه میشود، مبحث جدّانه‌ای است که در آینده به آن اشاره خواهد کرد.

### شرایط جغرافیائی و اقلیمی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

موقعیت جغرافیائی و شرایط اقلیمی در هر منطقه و در هر کشور تأثیر مهمی در شکل گیری روحیه، احساس، بینش و منش مردم آنجا بجا میگذارند. بطور مثال: ذوق و سلیقه، احساس و کردار مردمی را که در یک منطقه سیز و خرم و در کنار دریا، یا آب و هوای مطلوب زندگی میکنند، با احساسات و بینش و منش مردم صحرانشین مقایسه کنیم به تفاوت‌های فاحش میان آنها پی خواهیم بردا (مردم صحرانشین "تک بعدی" ساخته میشوند و از "تنوع سلیقه و اندیشه" کمتر برخوردار هستند).

مردم مناطقی که دائمًا در معرض خطرسیل، زلزله و آتش‌شان قرار دارند، در "اضطراب" بسر می‌برند و این "نگرانی و اضطراب در باره آینده خویش"، موجب شکل گیری فرهنگ اجتماعی و بینش و منش خاصی در میان مردم و در آن اجتماع میشود. در برخی از کشورها نظیر ژاپن که مردم آن دارای "ابتکار عمل" هستند و از علم و تکنولوژی پیشرفت‌هه بهره برداری میکنند، و در مدیریت جامعه نیز نقش فعالی ایفا میکنند، برای مقابله با خطرات زلزله تدابیر ایمنی مختلفی اتخاذ کرده‌اند ولذا مردم جامعه، کمتر در "اضطراب و نگرانی" بسر

می برد و با دلگرمی نقش سازنده ای در جامعه ایفا میکند. اما در کشورهایی نظیر ایران، راه حل چنین معضلاتی را به " ظهور امام زمان " موقول میکند و لذا فرنگ اجتماعی مردم ژاپن و مردم ایران برای مقابله با آفتها و مشکلات طبیعت ، با همیگر تفاوت فاحش دارند.

#### حوادث و بحران های سیاسی، اجتماعی و اثرات آن در فرهنگ اجتماعی

رویدادهای مثل جنگهای ویرانگر و طولانی مدت، شکستهای پیاپی سیاسی و ناکامی های اجتماعی، آوارگی و مهاجرتهای اجباری، در شکل کیری فرهنگ سیاسی و اجتماعی مردم تاثیرات "منفی" بسزائی میگذاردند.

باید توجه داشت که در جوامع پیشرفت‌هه صنعتی که مردم آن به بینش علمی و انضباط "عادت" دارند، قادرنده دلایل بحران، جنگ، یاشکست و ناکامی خود را بطرز علمی ارزیابی کنند و با برنامه ریزی هدفمند، و با توصل به انضباط، آنها را جبران کنند، مثل آنچه که در آلمان و ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن اتفاق افتاد. اما در کشورهایی که مردم آن از تفکر علمی، انضباط و احساس مسئولیت اجتماعی ، و فرهنگ همیاری پرخوردار نیستند، تسلیم رویدادها بعنوان "تصییت الهی" میشوند و زندگی غم انگیز خود را "سرنوشت" غیرقابل جبران تلقی میکنند.

#### "فرهنگ سیاسی " چگونه شکل میگیرد؟

فرهنگ سیاسی، از فرهنگ اجتماعی نشات میگیرد اما بطور اساسی بوسیله "نخبه گان" یا الیت جامعه ، یعنی روشنفکران و کوشندگان سیاسی جامعه شکل میگیرد.

روشنفکران و کوشندگان سیاسی که متعلق به گروه‌بندیهای مختلف اجتماعی هستند و در ضمن متاثر از " فرهنگ عمومی جامعه " میباشند، تلاش میکنند که "دیدگاههای" خود را درباره مسائل مختلف تدوین کرده در عرصه سیاست و جامعه تبلیغ کنند و از طرف دیگر کوشش میکنند که مبانی اندیشه های خود را در عملکردهای روزمره در جامعه به اجرا درآورند.

برخورد آرا و عقاید کوشندگان سیاسی و رقایتهای طبقاتی آنان موجب میگردد که از یکطرف "فرهنگ سیاسی خاص" گروههای اجتماعی سامانه یابند و از طرف دیگر، کنکاش ها، و تلاشهای تئوریک و سیاسی مجموعه "نخبه گان" (الیت) جامعه موجب میگردد که یک نوع "فرهنگ سیاسی عام " نیز در جامعه رواج پیدا کند. بطور مثال: نیروها و کوشندگان سیاسی چپ، مذهبی، میانه رو و لیبرال، محافظه کار... هر کدام از فرهنگ سیاسی ویژه ای در جامعه برخوردار هستند که آنها را با ارزشها و معیارهای مختلفی از قبیل :

" انسانگرا" ، "دموکرات" ، "واپسگرا" ، " استبدادی " و غیره می سنجند. اما " فرهنگ سیاسی عام و حاکم در میان ایرانیان" ، ملکمه و ترکیبی است از بینش و منش توده مردم و همه "نخبه گان" (الیت) جامعه. بطور مثال درباره خصوصیات فرهنگ سیاسی عام ایرانیان ابراز میشود که: " ایرانیان فردگرا هستند و به کار دستگمی عادت ندارند" ، هر ایرانی یک دیکتاتور کوچک میباشد" ، "دو رونی و فرصل طلبی از خصوصیات فرهنگ سیاسی ما ایرانیان میباشد" و خصلتهای سیاسی دیگر...

باید مذکور شد که معمولاً نقش " روشنفکران" و "نخبه گان فرهنگی" جامعه اینستکه قدرت شناخت ، تشخیص و تحلیل جوانب مطلوب و نامطلوب فرهنگ عمومی جامعه را داشته باشند و با تکیه به قدرت آگاهی خود و با همکاری همفکران خود کوشش بعمل آورند جنبه های واپسگرایانه و نا مطلوب فرهنگ اجتماعی و یا فرهنگ سیاسی را در جامعه "دفع" کنند و جنبه های مطلوب ، انسانگرا و ترقیخواهانه فرهنگ عمومی را " جذب " کرده در روند تحولات سیاسی و اجتماعی آنها را در " ضمیر انسانها درونی " کرده و در جامعه حاکم سازند.

اما بررسی پندر، کردار و گفتار اکثریت قریب با اتفاق کوشندگان سیاسی و "روشنفکران" ایران از زمان شکل گیری "انقلاب مشروطه" تاکنون نشان میدهد که اغلب دنباله رو حوادث بودند و از فرهنگ خشونت، تخریب و فرصت طلبی حمایت کرده اند.

برای طرح در سومین کنگره سکولار – دموکراتهای ایران (چهارم- پنجم ژوئیه 2015)

## راهکارهای نوین برای بازسازی و برقائی جنبش سکولار – دموکراسی قدرتمند در ایران

برای بازسازی و برقائی جنبش سکولار دموکراسی در ایران، ضروریست که ابتدا تاریخچه شکل‌گیری آن و دلایل شکست و ناکامی آنرا از نظر تاریخی و مناسبات اجتماعی مورد بررسی قرار بدهیم:

اولین خیزش جنبش سکولار دموکراتهای ایران، در جریان انقلاب مشروطه شکل گرفت و دست آوردهای مثبتی نیز داشت. در آن زمان، جریانهای مذهبی ارتقای بر هبری آخوندها، کوشش بعمل می آوردن تا یک نظام دینسالار تحت عنوان حکومت "مشروعه" را بقدرت برسانند و آنرا بعنوان تنها "الترناتیو" مطرح کردند. اما هشیاری برخی از روشنفکران که تحت تاثیر جنبش های انقلابی فرانسه، آلمان و روسیه قرار گرفته بودند، همچنین درایت و مقاومت مبارزین انقلابی نظیر ستارخان و باقرخان که برخاسته از توده مردم ستمدیده بودند، موجب گردیدند که جنبش مشروطه خواهی، با محتوای سکولار دموکراسی، بطور موقت به پیروزی برسد. اما مناسبات اجتماعی و فرهنگی عقب مانده، و فقدان "احزاب مدرن اجتماعی اجتماعی"، و فقدان انسجام و سازمان یافته‌گی سراسری نیروهای سکولار- دموکرات، همچنین جنگهای داخلی، و شرایط آشفته سیاسی کشور، توطنه گری نیروهای استعمارگر ... موجب گردیدند که سیطره سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی نیروهای ارتقای از جامعه ایران گسترش یابند.

در دوران حکومت رضا شاه، گامهای بزرگی در راه تحولات اقتصادی - اجتماعی و "مدرنیزه" کردن جامعه پرداشته شد که زمینه ساز یک جامعه سکولار دموکرات بود. اما از آنجاییکه تمام کوشش های مزبوریا استبداد فردی تحقق یافته بودند و در جامعه ایران، نیروهای اجتماعی نواندیش، موفق به تشکیل "احزاب مدرن اجتماعی" نشده بودند، پس از سقوط حکومت رضا شاه و سیطره جوئی نیروهای خارجی در ایران، همچنین بخاطر جنگهای داخلی، سیطره جوئی های مجدد عشایر و قبایل، جامعه‌ی مدرن و نوپای ایران، دوباره به واپسگرانی سوق داده شد و آخوند پروری و آشفتگی فرهنگی- سیاسی در جامعه گسترش یافت.

در دوران حکومت مصدق، نیروهای سکولار دموکرات ایران، کوشش کردند که ضمن حمایت از طرح ملی شدن صنعت نفت، دوباره خود را دربرابر نیروهای ارتقای از جامعه ایران نیز، رهبران احزاب سیاسی سنتی ایران که ادعای سکولاریسم و دموکراسی خواهی میکردند، از داشت و درایت سیاسی لازم برخوردار نبودند ولذا دربرابر توطنه های نیروهای استعمارگر خارجی و نیروهای ارتقای از جامعه ایران، آیت الله کاشانی و ...) مواجه با شکست و ناکامی شدند.

برای اینکه نیروهای سکولار- دموکرات ایران، بتوانند در آینده نزدیک به یک جنبش قدرتمند سیاسی و اجتماعی تبدیل شوند و نوسازی جامعه ایران، نقش موثری ایفا کنند، ضروری است که همه عوامل تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که موجب شکست و ناکامی این جنبش در صد سال اخیر شده اند، مورد ارزیابی قرار بدهیم.

به باورمن، این جنبش با چند مشکل اساسی رویرو میباشد که عبارتنداز:

واپسگرائی مناسبات تولیدی و اتمیزه شدن نیروهای اجتماعی که ریشه در تاریخ شیوه تولید و استبداد آسیائی، تهاجم ویرانگرانه خارجی، سیطره جوئی فرهنگ قرون وسطائی اسلامی، و بی کفایتی و بی درایتی مدیریت کشور، و فقدان احزاب مدرن اجتماعی در ایران، داشته و دارد.

بنابراین:

الف - عوامل زیربنایی و روبنایی واپسگرایانه نامبرده در ایران موجب شده اند که در ایران فرهنگ ستیزه جوئی، تخریبگری، لمپنی، ریاکاری، فرست طلبی، خود محور بینی، دیکتاتور پروری، و.... گسترش یابند.

ب- در چنین مناسبات تولیدی، اجتماعی و فرهنگی، شکل گیری یک جنبش قدرمند سکولار دموکرات و تشکیل "احزاب مدرن اجتماعی" که جامعه ایران را بسوی مدرنیته، تکامل فرهنگی و سیاسی سوق دهد، مواجه با مشکلات زیادی خواهد بود. اما:

ج- با برپانی و شکل گیری یک " جنبش قدرمند سکولار- دموکرات" ، وهمچنین شکل گیری" احزاب مدرن اجتماعی" که لازم و ملزم یکدیگرند، قادر خواهیم شد که به سکولاریسم و مدرنیته و جامعه مدنی در ایران دست یابیم؛

د- برای اینکه نیروهای سکولار، دموکرات و آزاد اندیش ایران بتوانند در آینده در این مسیر گامهای موثری بردارند، ضروریست که شرکت کنندگان در این جنبش، به اصول سکولاریسم، دموکراسی خواهی و برایری طلبی پایبند باشند و در این مسیر (مثل بسیاری از گذشتگان) اهداف و برنامه های دراز مدت را فدای خواستهای تاکتیکی نکنند و در این مسیر گامهای سنجیده ای بردارند؛

ر- نیروهای سکولار – دموکرات و نیروهایی که در راه شکل گیری احزاب مدرن اجتماعی گام بر میدارند، ضروریست که ضمن مبارزه برای برچیدن تمام عیار حکومتهاي ارجاعی و دیکتاتوری، پیشایش برای شکل گیری " قدرت جایگزین " (الترناتیو آینده سیاسی- اداری کشور) گام بردارند و مثل گذشته تسلیم "شورشگری کورکرانه" نشوند.

ز- برای مدیریت و نوسازی آینده کشور، برای دمکراتیزه کردن و نهادینه کردن مناسبات اجتماعی ، برای شکوفا سازی فرهنگ اجتماعی، و مقابله سازمان یافته با ناهنجاری های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی... ضروری است که از هم اکنون در راه شکل گیری و سازماندهی چندین "گروه کار" اقدام شود تا نیروهای اجتماعی بر اساس دانش و پایگاه اجتماعی خود، در سازماندهی نهادهای اجتماعی و گسترش فرهنگ سکولار- دموکراسی، گام بردارند.

ژ- برای نوسازی جامعه و شکوفانی فرهنگ سیاسی- اجتماعی در ایران، ضروریست که پیشایش " انجمن پژوهشگران و کارشناسان ایران " تشکیل گردد تا کارشناسان ارشد ایران ، با توجه به شرایط مشخص ایران، راهکارهای علمی و اجرائی را در مسیر اهداف مورد نظر مطرح کنند تا در آینده، توسط حکومت و نهادهای مردمی بمرحله اجرا در آیند.

ی- ضروریست که ایجاد " گروه کار ویژه ای از زنان آزاد اندیش ایران "، در صدر برنامه نیروهای سکولار دموکرات قرار بگیرد تا اقدامهای اساسی برای رفع تبعیض از زنان ایران برداشته شود و چنین نیروی انسانی ارزشمندی در مدیریت و سازندگی آینده ایران شرکت فعل داشته باشند.

م- ضروری است که " گروه کار" ویژه ای بمنظور امور " سازماندهی نیروهاي سکولار- دموکرات" و ایجاد " احزاب مدرن اجتماعی" ، در داخل کشور، تشکیل گردد تا با توجه به " فنون مبارزه اجتماعی و سازماندهی در شرایط ترور و

"اختناق" ، چنیش سکولار دموکراسی، بطور سازمان یافته ،در سراسر ایران گسترش یابد و رابطه ای ارگانیک بین چنیش سکولار دموکراسی در داخل و خارج از کشور برقرار گردد.

برای روشن شدن همه جوانب سیاسی ،تشکیلاتی و مبارزاتی، چند نوشته خودم را پس از زیرتقدیم علاقمندان میکنم:  
(1)- ضرورت ایجاد گروه کار ویژه از زنان آزاداندیش ایران ،(2) آیا اپوزیسیون کنونی ایرا میتواند به نیروی نجات بخشی در جامعه تبدیل شود؟،(3) نکاتی درباره تدابیر مبارزه اجتماعی و فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق،(4) راهکارهای نوین برای باز سازی و بر پائی چنیش سکولار دموکراسی قدرتمند در ایران،(5) نکاتی پیرامون شکل گیری "فرهنگ عمومی و " فرهنگ سیاسی" در جامعه - چگونه خصلتهای ترقیخواهانه و یا واپسگرایانه" ژنتیکی (موروثی ) میشوند و از نسلی به نسل دیگر در جامعه انتقال می یابند.

## راهکارهای جنبش سکولار- دمکراسی بمنظور تکامل اجتماعی و غنای فرهنگی در ایران

اعتقاد دارم، رژیم جهالت پرور و جنایتکار اسلامی، در سی و چند سال گذشته، ضربات مرگباری به جامعه ایران وارد کرده است که جبران ویرانی‌ها و تکامل بخشیدن مناسبات اقتصادی و اجتماعی، و غنا بخشیدن فرهنگ جامعه، و مناسبات انسانی، به اتحاد وسیع و هدفمند نیروهای سکولار، دمکرات و آزاد اندیش ایران نیاز دارد.

اعتقاد دارم، با توجه به خصلت واپسگرایانه و جنایتکارانه رژیم حاکم در کشور، و با توجه به خصلت تجاوزکارانه برخی نیروهای خارجی، همچنین با توجه به سرخوردگی و پراکندگی نیروهای درون اپوزیسیون، ما نمی‌توانیم به "کلی گوئی" و برقراری "مناسبات تاکتیکی" و زود گذر، در درون جنبش سکولار - دمکراسی، قناعت کنیم.

### بنابراین:

1- ضمن بر پائی یک جنبش وسیع از نیروهای سکولار، دمکرات، و آزاد اندیش و برابری طلب، ضروریست که کوشش بعمل آوریم، "متحدین دراز مدت" (استراتژیک) خود را در درون چنین جنبشی مشخص کنیم، و تشکیلاتی با ساختار دمکراتیک و رهبری دستجمعی، بوجود آوریم. چنین تشکیلاتی وظیفه دارد که ضمن مشارک مستمر در مبارزه سیاسی- طبقاتی، کوشش بعمل آورد که از حمایت افشار و طبقات اجتماعی در دمند برخوردار شود و "شبکه‌های تشکیلاتی- مبارزاتی" را در سراسر ایران و خارج از کشور گسترش دهد و "همبستگی ملی مردمان سراسر ایران" را بوجود آورد.

2- جنبش سکولار - دمکرات و برابری طلب ایران، وظیفه دارد که نه تنها برای "برچیدن تمام عیار نظام حاکم" مبارزه کند، بلکه ضروریست که پیش‌اپیش برای "باز سازی" و تکامل اجتماعی - فرهنگی ایران"، دیدگاهها و طرح و برنامه اجرائی خود را ارائه دهد.

3- نیروهای سکولار- دمکرات و برابری طلب که بطور استراتژیک با همیگر متعدد می‌شوند، وظیفه دارند که با هرگونه مناسبات ضد دمکراتیک، فردی، فرقه‌ای (سکتاریستی)، و "هزمونی طلبی" فردی و گروهی مبارزه کنند و با نظام‌های سیاسی موروثی (سلطنتی، یا جمهوری موروثی) مخالفت ورزند و بر این اصول تأکید کنند که رهبران تشکل‌های سیاسی و نظام‌های سیاسی کشور باید بطور ادواری و با را آزادانه مردم انتخاب شوند.

4- نیروهای سکولار- دمکرات- برابری طلب ایران، ضروریست که بطور دستجمعی با فرهنگ و نظام آموزش و پرورش واپسگرایانه و ارجاعی مبارزه کنند و مشترکاً کوشش بعمل آورند که مناسبات دمکراسی خواهی را در جامعه "نهادینه" کنند و فرهنگ اجتماعی و نظام آموزش و پرورش را غذا بخشنند.

5- برابری حقوق زن و مرد و رفع انواع تبعیض در جامعه، سرلوحة برنامه سیاسی - مبارزاتی نیروهای سکولار - دمکرات میباشد.

6- نیروهای سکولار، دمکرات و برابری طلب وظیفه دارند که "استقلال تشکیلاتی و مبارزاتی نهادهای مدنی و صنفی" را برسمست بشناسند و همه اقشار و طبقات مردم را در اداره امور خویش سهیم سازند.

7- تجرب رویدادی نا بهنگام تاریخی و ناکامی های سیاسی - اجتماعی گذشته، به نیروهای سکولار، دمکرات و برابری طلب ایران، آموخته است که " ضمن کوشش برای گسترش دمکراسی و تکامل اجتماعی، از دست آوردهای سیاسی - اجتماعی خود، هشیارانه و مدبرانه، حراست بعمل آورند.

**وظایف "هیئت تدارکات برگزارکننده کنگره مشترک" مجمع سازمانهای سکولار - دموکراتهای ایران " و " جنبش سکولار- دموکراتهای ایران" بقرار زیر میباشد:**

1- هیئت تدارکات برگزاری کنگره مشترک، کوشش همه جانبه بعمل خواهد آورد که بر اساس معیارهای سکولار- دموکراسی و برابر طلبی (رفع تبعیض)، از افراد مبارز و آزاد اندیش، همچنین از انجمن ها، سازمانها و گروههای سازمان یافته بیشتری از طیف " چپ دموکرات" تا " محافظه کار دمکرات" را برای شرکت در کنگره جلب کند تا زمینه ساز شکل گیری " احزاب مدرن اجتماعی " ، و " کثرت گرانی" (پلورالیسم) ، و ایجاد " جبهه سازمان یافته و قدرتمند سکولار دموکرات و برابری طلب "، بمنظور همسوئی هر چه بیشتر نیروهای سیاسی و اجتماعی و تحقق چشم انداز و برنامه های مشترک، در ایران گردند؛

2- هیئت تدارکات برگزاری کنگره مشترک، وظیفه دارد بمنظور جلوگیری از رخنه عوامل تخریبیگر - که تحت پوشش های مختلف سیاسی و تشکیلاتی در داخل و خارج از کشور فعالیت میکند- ارزیابی سیاسی همه جانبه ای از عملکردهای افراد و سخنگویان گروههایی که خواستار شرکت در کنگره و یا عضویت در جنبش و مجمع سازمانهای سکولار- دموکرات هستند، پیشایش بعمل آورد.

**راهکارها و شیوه‌ی برگزاری نشست های کنگره مشترک :**

3- محل و تاریخ برگزاری کنگره، پس از ارزیابی همه جانبه از نظر زمان، امکانات مالی و تکنیکی ، رعایت مسائل ایمنی ، مشخص و تعین خواهد شد.

4- در نشست اول ، کنگره با حضور همه ای اعضای شرکت کننده ، ناظرین ، و رسانه ها افتتاح خواهد شد.

5- در نشست جداگانه ای ، فقط نمایندگان گروهها و سازمانها شرکت خواهد کرد تا با حفظ استقلال تشکیلاتی و گروهی خود، بطور مشترک در راه شکل گیری " جبهه سراسری سازمانهای سکولار- دموکرات - برابری طلب" گام بردارند و همچنین " شورای رهبری مشترک جبهه " (شورای هماهنگ کننده جبهه) را انتخاب کنند، و درباره شرکت در کمیسیونها و گروههای کار ، اقدام کنند، و روابط و مناسبات خود را با " افراد" متشکل در کل جنبش سکولار- دموکرات ها نیز مشخص سازند.

- 6- نشست سوم، کنگره مشترک همه افراد و سازمانهای متشکل در جنبش سکولار - دموکرات- برابری طلب اختصاص داده خواهد شد تا چشم انداز و راهکارهای سیاسی- تشکیلاتی - مبارزاتی ،وهمچنین کادر رهبری مشترک خودرا تعین و انتخاب کنند.